



Comparative Analysis of Vernacular Patterns and Contemporary Design in Outward-Oriented Housing of Sari

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Seyedeh Maryam Hosseini¹
 Mohammad Reza
 Pourzargar^{2*}
 Mahmud Rezaei³

How to cite this article

[Ron](#)

URL: [http://](#)

ABSTRACT

Aims: Given the significance of preserving indigenous architectural identity in contemporary design, this study conducts a comparative analysis of vernacular and contemporary design patterns in extroverted housing in Sari. The main objective is to assess the extent to which contemporary design is influenced by vernacular architecture. It focuses on key criteria such as climatic adaptability, natural lighting, use of local materials, integration of modern technologies, and functional applicability. The study also examines how these elements align with contemporary needs and environmental priorities.

Methods: This research adopts an analytical-comparative approach, evaluating vernacular and contemporary architecture through field observations, selected case studies, and the Analytical Hierarchy Process (AHP). Comparative analysis and weighted assessments are used to determine the influence of vernacular patterns on modern housing design.

Findings: The results show that vernacular architecture is strong in climatic responsiveness, use of local materials, and cultural identity. On the other hand, contemporary architecture emphasizes spatial flexibility, modern aesthetics, and functional efficiency. Integrating both approaches can optimize energy use, enhance comfort, and create sustainable and culturally responsive housing.

Conclusion: Contemporary housing can benefit significantly from vernacular principles when combined with modern technologies. Designers are encouraged to consider natural lighting, ventilation, energy efficiency, local materials, and cultural identity preservation as essential components of sustainable housing design.

Keywords: Vernacular architecture, housing design, outward orientation, Sari climate, contemporary architecture.

CITATION LINKS

1- Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email:
moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

Article History

Received:

Accepted:

Published:

[1].Memarian Gh, and Tabarsa M. Typology and Classification of Architecture....[2].Sadeghi Pay N. The History and Reasons for the Inclination Toward Vernacular Architecture...[3].Oliver P. The Encyclopedia of Vernacular Architecture of the world. Cambridge University....[4].Hosein Pourharehdasht H. and Dashti Shafiee A. Modernizing the Indigenous....[5].Mohammadi-Pour P. Investigating the Vernacular Architecture....[6]. Moslemi M. and Rezaei F. Study of Vernacular Buildings in Mazandaran....[7]. Ghazanfari P. and Arzeh A. Manifestation of Mazandaran's Culture and Indigenous.....[8]. Mohammad-Hassan Z. Ramazan-Zadeh Lasbooei M. and Esmaili.....[9]. Shahbazi M. and Torabi Z. The comparative study of reinterpretation and requalification.....[8]. Etesam I. Contemporary Iranian architecture, topics in contemporary....[9]. Asefi M. and Imani E. Recognition and evaluation of the transformational....[10]. Ghobadian V. Climatic analysis of the Traditional Iranian buildings. 1st.....[11]. Ali-Hesabi M. and Kerani N. Influential Factors in the Evolution of Housing from Past....[12]. Najarejad Mashhadi M. Afzalian K. Sheibani M. and Seyed-Alhosseini....[14]. Khoram A. Hedayati M. and Jafari R. Studying Citizens' Interest in Vernacular....[15]. Poursistani P. Mahmoudi Zarandi M. and Madahi Moshizi J. Redefining....[17]. Tavassoli M. Urban Structure and Architecture in the Hot and Arid Climate.....



تحلیل تطبیقی الگوهای بومی و طراحی معاصر در مسکن برون گرای ساری

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

سیده مریم حسینی^۱
محمدرضا پورزرگر^{۲*}
محمود رضایی^۳

اهداف: این پژوهش با توجه به اهمیت حفظ هویت معماری بومی در طراحی معاصر، به بررسی تطبیقی الگوهای بومی و طراحی معاصر در مسکن برون گرای شهر ساری می پردازد. هدف اصلی، شناسایی میزان تاثیرپذیری طراحی معاصر از معماری بومی و تحلیل معیارهایی همچون سازگاری اقلیمی، نورگیری طبیعی، استفاده از مصالح بومی، بهره گیری از فناوری های نوین و کاربردپذیری در طراحی مدرن است. بررسی چگونگی تطبیق این معیارها با نیازهای امروزی و الزامات زیست محیطی، از دیگر اهداف پژوهش محسوب می شود.

روش ها: پژوهش حاضر از روش تحلیلی-مقایسه ای بهره گرفته و معیارهای کلیدی معماری بومی و معاصر را از طریق مطالعات میدانی، بررسی نمونه های موردی و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) ارزیابی کرده است. داده ها از طریق مقایسه تطبیقی، بررسی نمونه های منتخب و وزن دهی شاخص ها تحلیل شده اند تا میزان تاثیرپذیری طراحی معاصر از الگوهای بومی مشخص شود.

یافته ها: نتایج نشان می دهد که معماری بومی در معیارهایی مانند سازگاری اقلیمی، استفاده از مصالح بومی و حفظ هویت فرهنگی امتیاز بالاتری دارد، درحالی که معماری معاصر بیشتر بر انعطاف پذیری فضایی، نوآوری در فرم و عملکرد، و کاربردپذیری تاکید دارد. ترکیب این دو رویکرد می تواند به بهینه سازی مصرف انرژی، افزایش کیفیت آسایش، ارتقای پایداری مسکن و خلق فضاهای هماهنگ با فرهنگ بومی منجر شود.

نتیجه گیری: معماری معاصر می تواند با الهام از اصول معماری بومی و بهره گیری از فناوری های نوین، طراحی پایدارتر و هماهنگ تری با شرایط اقلیمی و فرهنگی ایجاد کند. پیشنهاد می شود در طراحی مسکن های معاصر، بهره گیری از نور طبیعی، تهویه مناسب، استفاده بهینه از انرژی، مصالح بومی و حفظ هویت فرهنگی به عنوان اولویت های طراحی در نظر گرفته شوند.

کلید واژگان: معماری بومی، طراحی مسکن، برون گرایی، اقلیم ساری، معماری معاصر

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

نویسنده مسئول *

moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

ارجاع دهی

URL: <http://>

این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی نامه بین المللی Creative Commons Attribution-Non-Commercial 4.0 International License منتشر می شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می دهد.

مقدمه

معماری هر سرزمینی برایندی از باورها، فرهنگ، اقلیم، صنعت و شیوه‌های ساختن در آن مرز و بوم است و بر همین اساس معماری به مثابه آیین‌های تمام نما، معرف سلاقی، امکانات، دانسته‌ها و توانایی خالقان خود است [۱]. در اواسط قرن بیستم با نمایان شدن مشکلات و کمبودهای حاصل از تغییراتی که تکنولوژی و دستاوردهای مدرنیته صنعتی ایجاد کرده بود و این امر سبب توجه بیشتر به معماری بومی بود. این توجه به تحقیق معماری بومی که در واکنش به معماری ناآشنای خود ایجاد شده بود؛ طیف وسیعی در زمینه‌های گوناگون همچون ابعاد و مقیاس انسانی، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و... را شامل می‌شود [۲]. پیرامون موضوع معماری بومی، تاثیر مباحث فرهنگی معماری در نقش‌دهی مسئولیت مسکن مهم است که افراد زیادی بدان پرداخته‌اند. راپاپورت زمینه‌های فرهنگی را عامل موثر در شکل‌گیری معماری بومی می‌دانند. الیور معماری بومی را در مجموعه تئوری استدلالی معماری به‌طور کاملاً واضح جای داد، عامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جنبه‌های تکنولوژی معماری و پایداری آن از جنبه‌های فرهنگی را در معماری بومی موثر دانسته و با اشاره به رویکردهای ساختار گرایانه، پدیدار شناسانه و به لزوم توجه به رویکرد رفتارگرایانه و الگوهای فرهنگی و آداب و رسوم تاکید کرده و معماران را در کنار ساختار فرمی بناهای بومی، ضبط عینی و برداشت تحلیلی به لزوم توجه به کار میدانی و مشاهدات مردمی و مطالعات فرهنگی سوق می‌دهد [۳].

با نگاهی به معماری سنتی ایرانی، نقش و جایگاه ویژه خانه به عنوان عنصری مهم در معماری آشکار می‌شود، از طرفی در معماری معاصر ما با تغییر روش زندگی، افزایش جمعیت، کمبود زمین و ... الگوهای معماری مسکن نیز تغییر کرده است. بنابراین سعی بر این است که با های خانه معماری بررسی سنتی تاکید و ایرانی بر آنها مقایسه و آنها فضایی غنای و کیفیت با خانه های آشنایی بیشتر با خانه این فضایی مفاهیم ها شده فراموش مفاهیم این بیشتر تزریق درجهت موثر گامی بتوان به فضاهای تک و بعدی کم معنی، معاصر های خانه با هدف بررسی فضاهای موجود در یک خانه سنتی و نحوه چیدمان این فضاها برای رسیدن به یک الگوی فضایی

مناسب برداشت [۴]. چالش اساسی در معماری ساری، طراحی مسکن‌هایی است که علاوه بر نیازهای معاصر، هویت فرهنگی و سازگاری اقلیمی را نیز حفظ کنند. معماری مدرن، به دلیل استفاده از مصالح غیربومی و کاهش فضاهای باز، موجب افزایش مصرف انرژی و کاهش کیفیت زندگی شده است. این مسئله، ضرورت بازاندیشی و احیای الگوهای بومی را نمایان می‌سازد. ترکیب اصول معماری بومی با فناوری‌های مدرن، می‌تواند به خلق فضاهای سازگار با محیط‌زیست و حفظ ارزش‌های فرهنگی منطقه منجر شود. احیای این اصول در مسکن معاصر، به کاهش مصرف انرژی و افزایش سازگاری با اقلیم مرطوب ساری کمک می‌کند. همچنین، بازتعریف این الگوها با فناوری‌های نوین، می‌تواند راهکارهای جدیدی برای طراحی مسکن ارائه دهد که هم کارآمد باشد و هم هویت بومی را حفظ کند [۵]. به‌طور خاص، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان مولفه‌های معماری بومی را در طراحی مسکن‌های امروزی به‌کار گرفت و چه راهکارهایی برای حفظ هویت بومی در کنار بهره‌گیری از فناوری‌های نوین وجود دارد. هدف این پژوهش، بررسی قابلیت‌های معماری بومی ساری و امکان انطباق آن با اصول طراحی معاصر است. در این راستا، نمونه‌های موردی خانه‌های سنتی و ویلاهای مدرن تحلیل شده و از روش AHP برای اولویت‌بندی شاخص‌های موثر در طراحی مسکن پایدار استفاده شده است.

نمودار ۱: فرآیند تحقیق



مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. در بخش کتابخانه‌ای، منابع علمی مرتبط با معماری بومی و طراحی پایدار بررسی شده که به شناخت ویژگی‌های معماری بومی ساری، اصول طراحی سازگار با اقلیم مرطوب و تاثیر فناوری‌های نوین بر احیای الگوهای سنتی کمک کرده است. همچنین، مطالعات تطبیقی برای مقایسه معماری بومی و معاصر انجام شده است. در بخش مطالعات میدانی، داده‌ها از طریق بازدید از نمونه‌های شاخص مسکن بومی در ساری، برداشت‌های تصویری و نقشه‌ای و مصاحبه با معماران و کارشناسان گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای AutoCAD و GIS و روش AHP برای اولویت‌بندی شاخص‌های معماری بومی انجام شده است. در نهایت، یافته‌ها در قالب راهکارهای پیشنهادی برای تلفیق معماری بومی با طراحی مسکن معاصر ارائه شده و با نظرات متخصصان مقایسه شده است.

"پیشینه پژوهش" اهمیت ویژه‌ای در معماری دارد. برای تدوین این پژوهش، به بررسی تحقیقات انجام‌شده در زمینه معماری بومی، طراحی اقلیمی و احیای الگوهای سنتی در مسکن پرداخته شده است. در ادامه، نتایج و دستاوردهای تحقیقات مرتبط ارائه و تفاوت رویکرد این پژوهش با سایر مقالات بررسی می‌شود:

مازیار مسلمی و فاطمه رضاییان (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی بناهای بومی در استان مازندران (نمونه موردی: شهر ساری)" ویژگی‌های معماری بومی ساری را تحلیل کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که استفاده از مصالح محلی (چوب و سفال)، طراحی ایوان‌های گسترده، سقف‌های شیب‌دار و حیاط‌های مرکزی، از مهم‌ترین خصوصیات این معماری برای سازگاری با اقلیم مرطوب، تهویه طبیعی و کاهش رطوبت داخلی است. این تحقیق بر امکان تلفیق این الگوهای سنتی در طراحی مسکن معاصر به‌منظور افزایش پایداری و هماهنگی با محیط‌زیست تاکید دارد [۶]. پیمان غضنفری و آزاده آرزو (۱۳۹۸) در پژوهش "تجلی فرهنگ و هویت بومی مازندران در بناهای شاخص (نمونه موردی: بوستان ولایت، شهر ساری)" به بررسی چگونگی

انعکاس فرهنگ و هویت بومی مازندران در طراحی بوستان ولایت ساری می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از نمادها و الگوهای سنتی در طراحی فضاها و المان‌های پارک، به تقویت هویت محلی و ایجاد حس تعلق میان ساکنان کمک کرده است. همچنین، تحقیق بیان می‌کند که ادغام عناصر معماری بومی با نیازهای معاصر می‌تواند به توسعه فضاهای عمومی موفق و مورد استقبال جامعه منجر شود [۷].

محمد حسن‌زال، مهدی رمضان‌زاده لسبویی، امین اسماعیلی (۱۳۹۶) در پژوهش "بافت سنتی شهری و نقش آن در توسعه گردشگری میراث فرهنگی (مطالعه‌ی موردی: بافت قدیم شهر ساری)" به ارزیابی نقش بافت سنتی شهر ساری در توسعه گردشگری میراث فرهنگی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که حفظ و احیای بافت‌های تاریخی با استفاده از الگوهای معماری بومی، می‌تواند به جذب گردشگران و تقویت اقتصاد محلی کمک کند. همچنین، تحقیق تاکید دارد که بازسازی و مرمت این بافت‌ها باید با حفظ اصالت فرهنگی و تاریخی آن‌ها همراه باشد تا تجربه‌ای اصیل و معنادار برای بازدیدکنندگان فراهم شود [۸]. در سال ۱۳۶۹، نخستین کنگره بین‌المللی با عنوان "بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمانی" در شهر اصفهان و با حضور معماران ایرانی خارجی مانند "لوئی کان، والتر گروپیوس، میس وندروهه، ریچارد نوترا و ژرژ کاندلیس" برگزار شد [۹]. در دوره‌های بعد، معمارانی مانند نوسنت‌گرایان (امانت، دیبا، سیحون و دیگران) تلاش کردند تا معماری سنتی را حفظ و بازآفرینی کنند. ایرج اعتصام نیز معتقد است که ژاپن با بازتعریف مفاهیم سنتی، بدون تقلید از عناصر خاص، توانسته جایگاهی برجسته در معماری جهان کسب کند [۱۰]. آصفی و ایمانی در مقاله‌شان با عنوان "ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون‌ساز روح معماری ایران در گذر زمان، اصالت گذشته، تازگی اکنون" علل تحولات ایجاد شده معماری و تاثیرات ناهنجار در معماری معاصر ایران و اصلاح آن را مورد بررسی قرار داده‌اند [۱۱]. وحید قبادیان در کتاب "بررسی ابنیه سنتی ایران" ضمن معرفی بناهای بومی در اقلیم‌های مختلف کشور، عوامل و عناصر شکل‌دهنده به این بناها را بررسی و معرفی می‌نماید [۱۲]. مهران علی‌الحسابی و نعیمه کرانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "عوامل تاثیرگذار بر تحول

مسکن از گذشته تا آینده" به بررسی عوامل شکل دهنده معماری از گذشته تا امروز پرداخته و نتایج این بررسی ها نشان می دهد که بهره گیری از اصول گذشته و بروزرسانی و استفاده از تکنولوژی روز با توجه به نیازهای روز در معماری امروزی لازم و مفید است [۱۳]. مرجانه نجارنژاد مشهدی، خسرو افضلیان، مهدی شیبانی و سیدمسلم سیدالحسینی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان "تبیین مولفه الگوهای ماندگار حاکم بر مسکن بومی مشهد و اولویت بندی آنها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی" تاکید دارند که حفظ و توسعه این الگوها، علاوه بر تقویت هویت فرهنگی، می تواند معماری معاصر را نیز هدایت کند. محرمیت، درونگرایی و ارتباط با طبیعت از عناصر کلیدی این معماری هستند که باید در طراحی های جدید رعایت شوند [۱۴].

مطالعه پژوهش های انجام شده در ایران نشان می دهد که بیشتر تحقیقات در حوزه مسکن بومی ساری، بر ارزیابی های کالبدی و پایداری محیطی تمرکز داشته اند. با این حال، برای احیای الگوهای بومی ساری، صرفا تحلیل کالبدی کافی نیست و باید به مفاهیم و ارزش های نهفته در این الگوها نیز پرداخته شود. پژوهش حاضر به بازنگری در شاخص های معماری بومی ساری می پردازد و به دنبال شناسایی مولفه ها و اصول ماندگار مسکن بومی ساری است که می توانند در طراحی مسکن معاصر، به ویژه در بافت های جدید و میانی شهری، کاربرد داشته باشند.

ویژگی های معماری بومی برون گرا در ساری

معماری بومی به عنوان یکی از شاخه های معماری پایدار، بازتاب دهنده فرهنگ، اقلیم و نیازهای زیستی هر منطقه است. در ساری، مسکن برون گرا با ویژگی هایی نظیر حیاط مرکزی، ایوان های عریض، بام های شیب دار، استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب و سفال، و انطباق با اقلیم مرطوب، نمونه ای از تطابق معماری با محیط زیست محسوب می شود. این الگوها با تامین تهویه طبیعی، ایجاد سایه بان و فراهم سازی تعاملات اجتماعی در فضای باز، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی داشته اند. نظریه های مرتبط با معماری بومی همچون رویکرد "بوم گرایی" و "معماری زمینه گرا" به عنوان پایه تحلیلی این پژوهش استفاده شده اند [۶].

باز تعریف مفاهیم بومی در معماری معاصر

در معماری معاصر، یکی از چالش ها، ترکیب اصالت های بومی با فناوری و نیازهای زندگی مدرن است. نظریه های مرتبط با

مسکن از گذشته تا آینده" به بررسی عوامل شکل دهنده معماری از گذشته تا امروز پرداخته و نتایج این بررسی ها نشان می دهد که بهره گیری از اصول گذشته و بروزرسانی و استفاده از تکنولوژی روز با توجه به نیازهای روز در معماری امروزی لازم و مفید است [۱۳]. مرجانه نجارنژاد مشهدی، خسرو افضلیان، مهدی شیبانی و سیدمسلم سیدالحسینی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان "تبیین مولفه الگوهای ماندگار حاکم بر مسکن بومی مشهد و اولویت بندی آنها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی" تاکید دارند که حفظ و توسعه این الگوها، علاوه بر تقویت هویت فرهنگی، می تواند معماری معاصر را نیز هدایت کند. محرمیت، درونگرایی و ارتباط با طبیعت از عناصر کلیدی این معماری هستند که باید در طراحی های جدید رعایت شوند [۱۴].

مطالعه پژوهش های انجام شده در ایران نشان می دهد که بیشتر تحقیقات در حوزه مسکن بومی ساری، بر ارزیابی های کالبدی و پایداری محیطی تمرکز داشته اند. با این حال، برای احیای الگوهای بومی ساری، صرفا تحلیل کالبدی کافی نیست و باید به مفاهیم و ارزش های نهفته در این الگوها نیز پرداخته شود. پژوهش حاضر به بازنگری در شاخص های معماری بومی ساری می پردازد و به دنبال شناسایی مولفه ها و اصول ماندگار مسکن بومی ساری است که می توانند در طراحی مسکن معاصر، به ویژه در بافت های جدید و میانی شهری، کاربرد داشته باشند.

مبانی نظری این پژوهش بر دو محور اصلی استوار است: نخست، اصول و ویژگی های معماری بومی منطقه شمال ایران و دوم، مفاهیم معاصر در بازتعریف و احیای این الگوها در طراحی مسکن.

معماری شاخه ای از معماری بر پایه نیازها و مصالح ساختمانی است که بازتاب سنت های منطقه ای است. معماری بومی در طول زمان براساس پیشینه محیطی، فرهنگی، فناوری و تاریخی که در آن وجود داشته تکامل یافته است. معماری بومی، با عنصر سبک طراحی، بصورت غیراتفاقی برای اهداف زیبایی شناسانه کنار هم قرار گرفته اند که فراتر از نیازهای ضروری ساختمان هستند. اصطلاح معماری بومی نباید با آنچه معماری سنتی گفته می شود اشتباه شود، هرچند پیوندهایی میان این دو وجود دارد [۱۵].

صورت پذیرفته که به معرفی وجوه مختلف مسکن بومی و به کارگیری الگو و شاخص‌های کمی و کیفی آن در معماری دیروز و امروز پرداخته‌اند [۱۴].

محدوده مورد مطالعه

شهر ساری مرکز استان مازندران می‌باشد و مساحت آن ۲۵/۶ کیلومتر مربع است. قسمت جنوبی و جنوب غربی شهر را کوه‌ها و تپه‌های کم ارتفاع فرا گرفته است و در قسمت‌های شمالی، شرقی و غربی آن مزارع و باغ‌ها قرار دارد. دارای آب و هوای مرطوب و معتدل است. این شهر با قدمتی طولانی، دارای یک بافت منسجم و باارزش بوده که هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌دهد [۱۹]. بافت قدیم شهر ساری همواره بصورت یک مجموعه عمل می‌کرده و عناصر آن (بازار، مراکز اداری، مرکز مذهبی، محلات مسکونی) در راستای هم و در ارتباط با یکدیگر شکل گرفته بودند، اما تحت تاثیر توسعه شهر نشینی جدید، احداث معابر عریض، مستقیم و متضاد با بافت ارگانیک سنتی، خلل در محله‌بندی و تخریب سازمان فضایی گذشته ایجاد شده است. حضور بناها، ارگان‌ها و محیط‌های شهری ارزشمند و پرهویت که حکایت از تاریخ چند هزارساله مازندران را دارد، دلیل محکمی برای انتخاب این برای بافت مطالعه بوده است. آنچه را که به عنوان مشخصه‌های معماری بومی چه از نظر کالبدی-فضایی و چه از نظر کیفیت‌های فضایی در این بافت می‌توان تلقی نمود عبارتند از: توجه به اقلیم، مصالح ساختمانی بومی، مقیاس، محرمیت، برونگرایی فرهنگی، استفاده از پوشش سبز در معابر [۲۰].

معماری معاصر، همچون "معماری پایدار"، "طراحی انعطاف‌پذیر"، و "بازآفرینی فرهنگی"، در این پژوهش به کار گرفته شده‌اند. این نظریه‌ها بیان می‌کنند که طراحی مسکن باید بتواند با حفظ هویت بومی، نیازهای معاصر را پاسخ دهد و زمینه تعامل انسان و محیط را بهبود بخشد [۱۷].

چشم‌انداز معاصر در احیای الگوهای بومی

تلفیق معماری بومی و فناوری‌های مدرن از جمله استفاده از مصالح جدید در کنار مواد بومی، طراحی سیستم‌های هوشمند تهویه و روشنایی، و ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر، در چارچوب نظریه‌های معماری نوگرا مورد توجه قرار گرفته است. این چشم‌انداز بر این باور استوار است که بازتعریف الگوهای سنتی در قالب‌های مدرن می‌تواند به خلق فضایی پایدار و هماهنگ با فرهنگ محلی منجر شود [۱۷]. این مبانی نظری، چارچوبی تحلیلی فراهم می‌کند که بر اساس آن، فرضیه پژوهش مبنی بر امکان احیای الگوهای بومی در قالب رویکردهای معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مسکن بومی الگوی خاصی از مسکن است که با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان و خصوصیات طبیعی و محیطی مکان مورد نظر تناسب دارد. در مساله مسکن، باید علاوه بر جنبه‌های کمی به جنبه‌های کیفی نیز توجه نموده و مسئله مسکن را در رابطه با مسائل دیگری در نظر بگیریم [۱۸]. در این مقوله تکرار فرم‌ها و الگوهای (جسد و کالبد صرف) مسکن بومی مد نظر نیست، بلکه شناسایی معیارهای ارزشی و فرهنگی اولویت داشته و جست‌وجوی روش‌های پاسخگویی به آنها در زمان حاضر و با امکانات در دسترس، بایستی هدف اصلی باشد. در این خصوص مطالعات بسیاری

جدول ۱: مقایسه ویژگی‌های معماری بومی و معاصر در ساری

ویژگی‌ها	معماری بومی	معماری معاصر
مصالح استفاده شده	چوب، آجر، گل	بتن، فولاد، شیشه
فضاسازی	برون‌گرا با حیاط مرکزی	درون‌گرا با فضاهای محدود داخلی
تاثیر اقلیم	سازگار با اقلیم مرطوب و معتدل	تاثیر کم یا بدون در نظر گرفتن اقلیم
عناصر شاخص	ایوان، سقف شیبدار، حیاط مرکزی	دیوارهای شیشه‌ای، نماهای مدرن
کارکرد فضاها	انعطاف‌پذیر و چند منظوره	کارکرد محدود و ثابت

پنجره‌های دوجداره و مصالح مدرن می‌تواند به کاهش مصرف انرژی و بهبود کیفیت زندگی کمک کند. بنابراین، ادغام معماری بومی با فناوری‌های جدید، پایداری و آسایش مسکن معاصر را افزایش می‌دهد.

با بررسی جداول ۳ و ۴ می‌توان نتیجه گرفت که خانه‌های سنتی و ویلاهای مدرن، با وجود تفاوت در مصالح و سبک، با اقلیم و ویژگی‌های بومی منطقه هماهنگ هستند. استفاده از مصالح طبیعی و طراحی سنتی در خانه‌های بومی و ترکیب معماری مدرن با عناصر سنتی در ویلاها، به حفظ هویت، بهبود پایداری و کاهش مصرف انرژی کمک کرده است.

با توجه به جدول شماره ۱، معماری بومی ساری با مصالح طبیعی و فضاسازی برون‌گرا، هماهنگی بالایی با اقلیم مرطوب دارد، در حالی که معماری معاصر با مصالح صنعتی و طراحی درون‌گرا، کمتر به شرایط اقلیمی توجه می‌کند. این تفاوت‌ها موجب سازگاری بیشتر معماری بومی با محیط و بهبود تعامل اجتماعی نسبت به معماری معاصر شده است.

بررسی جدول ۲ نشان می‌دهد که عناصر معماری بومی مانند حیاط مرکزی، سقف شیب‌دار و ایوان‌ها که برای تهویه طبیعی و کاهش رطوبت به کار می‌روند، در طراحی معاصر نیز قابل استفاده‌اند. ترکیب این ویژگی‌ها با فناوری‌های نوین مانند

جدول ۲: تحلیل تطبیقی ویژگی‌های معماری بومی و قابلیت‌های آن در طراحی مسکن معاصر

ویژگی بومی	کارکرد در معماری سنتی	کاربرد در طراحی معاصر	مزایا و تأثیر بر کیفیت زندگی
حیاط مرکزی	تهویه طبیعی، فضای تجمع خانوادگی	طراحی فضاهای باز در آپارتمان‌ها	افزایش تهویه، تعامل اجتماعی و ایجاد حس تعلق
سقف شیب‌دار	هدایت آب باران، کاهش رطوبت	طراحی سقف‌های مقاوم‌تر با متریال جدید	افزایش دوام، کاهش آسیب‌های رطوبتی
ایوان و رواق	سایه‌افکنی، خنک‌سازی طبیعی	طراحی بالکن‌های بزرگ و سایه‌بان‌ها	کاهش مصرف انرژی، بهبود آسایش ساکنان
مصالح بومی (چوب، آجر، سفال)	عایق حرارتی، سازگاری با محیط	ترکیب با فناوری‌های نوین در ساختمان	کاهش اثرات زیست‌محیطی، بهینه‌سازی مصرف انرژی
پنجره‌های بزرگ و مشبک	نورگیری و تهویه طبیعی	استفاده از پنجره‌های دوجداره و هوشمند	کاهش مصرف انرژی، بهینه‌سازی روشنایی داخلی
فضاسازی برون‌گرا	ارتباط با طبیعت، تهویه طبیعی	ایجاد فضاهای باز در طراحی شهری	افزایش آسایش، بهبود سلامت روحی و روانی

جدول ۳: تحلیل نمونه‌های موردی معماری بومی ساری

نمونه موردی	ویژگی‌های بومی	ویژگی‌های معاصر	امتیاز انطباق با اهداف پژوهش
خانه فاضلی	مصالح: استفاده از چوب، آجر و سفال در ساختار بنا فضاسازی: دارای حیاط مرکزی و ایوان‌های عریض سقف: شیب‌دار برای هدایت آب باران تزیینات: گچبری‌ها و نقوش سنتی	تغییرات: در برخی قسمت‌ها از مصالح جدید برای مرمت استفاده شده کاربری: تبدیل به موزه یا مرکز فرهنگی	بالا
خانه کلبادی	مصالح: ساخته شده با سفال، سنگ، آجر و چوب فضاسازی: دارای دو بخش اندرونی و بیرونی سقف: شیب‌دار با پوشش سفالی تزیینات: الهام گرفته از سبک معماری تکایای دوران قاجار	تغییرات: در بازسازی پنجره‌های یک طبقه بطور کامل تعویض شده‌اند که تضادی در نما ایجاد کرده است کاربری: تبدیل به موزه شهرستان ساری	متوسط
خانه رمدانی	مصالح: استفاده از چوب و آجر در ساختار فضاسازی: دارای حیاط مرکزی و ایوان‌های سنتی سقف: شیب‌دار با پوشش سنتی تزیینات: نقوش گچبری‌های سنتی	تغییرات: در برخی قسمت‌ها از مصالح مدرن برای مرمت استفاده شده کاربری: نیاز به مرمت و بازسازی برای استفاده مجدد	متوسط
خانه سردار جلیل	مصالح: استفاده از چوب، آجر و سفال در ساخت فضاسازی: دارای دو بخش اندرونی و بیرونی مطابق با معماری دوره قاجار سقف: شیب‌دار با پوشش سفالی تزیینات: گچبری‌ها و نقوش سنتی	تغییرات: در برخی قسمت‌ها نیاز به مرمت دارد کاربری: در حال حاضر استفاده خاصی ندارد و نیاز به بازسازی و بهره‌برداری مجدد دارد	کم
خانه میرگتی	مصالح: استفاده از چوب و آجر در ساختار فضاسازی: دارای حیاط مرکزی و ایوان‌های سنتی سقف: شیب‌دار با پوشش سنتی تزیینات: نقوش و گچبری‌های سنتی	تغییرات: نیاز به مرمت و بازسازی برای استفاده مجدد کاربری: در حال حاضر استفاده خاصی ندارد و نیاز به بازسازی و بهره‌برداری مجدد دارد	کم

کارآمد را دنبال می‌کنند. با بررسی جدول شماره ۷، می‌توان نتیجه گرفت که خانه‌های سنتی همچون خانه فاضلی، کلبادی، رمدانی، سردار جلیل و میرگتی بیشتر از مصالح بومی استفاده کرده‌اند و سیستم تهویه طبیعی و سقف‌های شیب‌دار برای هدایت آب باران در آن‌ها به‌خوبی رعایت شده است. اما در مقایسه با ویلاها، هماهنگی با طبیعت اطراف در خانه‌های سنتی به‌طور متوسط یا کمتر است. در مقابل، ویلاهایی مانند

بررسی جداول ۵ و ۶ نشان می‌دهد که خانه‌های سنتی با مصالح بومی و طراحی حیاط مرکزی، با اقلیم و فرهنگ منطقه هماهنگ‌اند، در حالی که ویلاهای مدرن از مصالح صنعتی و نورگیری وسیع بهره می‌برند. هر دو گروه به تهویه طبیعی توجه دارند، اما ویلاها بیشتر به سیستم‌های تهویه مطبوع متکی هستند. در مجموع، خانه‌های سنتی بر حفظ هویت بومی تأکید دارند، در حالی که ویلاها طراحی‌های مدرن و

از مصالح بومی استفاده کرده‌اند و توجه به اقلیم و تهویه طبیعی در آن‌ها بهینه و موثر است. در حالی که ویلاهای مدرن بیشتر از مصالح صنعتی مانند بتن و شیشه بهره برده و سازگاری آن‌ها با محیط در برخی موارد رعایت شده است. نورگیری طبیعی در ویلاهای مدرن بیشتر از خانه‌های تاریخی است، اما حفظ هویت معماری بومی تنها در خانه‌های تاریخی به‌طور کامل مشاهده می‌شود.

پارت‌کلا، ۷۵ گلچین و مازو با بهره‌گیری از مصالح مدرن و طراحی‌هایی که به‌طور کامل با طبیعت اطراف هماهنگ است، عملکرد بهتری در ایجاد تعامل با محیط دارند. به‌طور کلی، ویلاها در بهبود هماهنگی با طبیعت و استفاده از سیستم‌های تهویه طبیعی و نورگیری بهتر از خانه‌های سنتی عمل کرده‌اند. با توجه به جدول شماره ۸، می‌توان نتیجه گرفت که خانه‌های تاریخی به‌طور چشمگیری بیشتر از ویلاهای مدرن

جدول ۴: تحلیل و مقایسه ویژگی‌های معماری ویلاهای مدرن

مولفه‌ها / ویلاها	ویلا پارت کلا	ویلا امیردشت	ویلا شکسته	ویلا شماره ۷۵ گلچین	ویلا مازو
نوع پلان	مستطیلی ساده با فضای باز مرکزی	باز و پویا، بدون تقسیم‌بندی صریح	شکست‌خورده و سیال	ترکیبی از محور عمودی و افقی	باز با فضاهای انعطاف‌پذیر
نورگیری	گسترده از جبهه جنوبی	نور طبیعی از سطوح وسیع شیشه‌ای	بازشوهای متنوع و عمیق	نورگیری از دو جبهه اصلی	تمرکز بر نور طبیعی سقفی
ارتباط با طبیعت	پاسیو و فضای سبز داخلی	تراس‌های بزرگ و بازشوهای کامل	ترکیب مستقیم با محیط طبیعی اطراف	حیاط نیمه‌خصوصی و بازشوهای عریض	هم‌پیوندی سبز با محوطه و منظر
مصالح	بتن، آجر، شیشه	شیشه، سنگ، بتن سفید	بتن اکسپوز، چوب	آجر نما و بتن رنگی	چوب طبیعی، فلز سیاه
هویت بصری	مینیمالیستی با رگه‌هایی از فرم سنتی	نمای مدرن و پویا با تاکید بر شفافیت	برخورد پویای حجم و شکست‌های بصری	نمای تلفیقی سنت و مدرن	تاکید بر خطوط افقی و رنگ‌های طبیعی
انعطاف‌پذیری فضاها	متوسط، با عملکرد مشخص	بالا، فضاها چند منظوره	بسیار بالا، فضاها قابل ادغام	متوسط با فضاهای مشخص	بالا، متناسب با نیازهای متغیر
توجه به اقلیم	نورگیری جنوبی و سایبان طبیعی	تهویه متقابل، بازشوهای هوشمند	طراحی برای تهویه طبیعی و سایه	مصالح هم‌خوان با اقلیم مرطوب	سقف بلند، کنترل تابش آفتاب
سازگاری با محیط بومی	متوسط، با گرایش به مدرنیسم	کم، تاکید بیشتر بر نوگرایی	تلفیقی از مدرن و زمینه‌گرا	متوسط، بهره‌گیری از مصالح محلی	بالا، الهام از فرم‌های بومی

جدول ۵: مقایسه ویژگی‌های فضایی و کالبدی خانه‌های تاریخی ساری

ویژگی‌ها	خانه فاضلی	خانه کلبادی	خانه رمدانی	خانه سردار جلیل	خانه میرگتی
نوع سازه	چوب، آجر، سفال	چوب، آجر، سنگ، سفال	چوب، آجر	آجر، چوب، گچ	آجر، چوب، سنگ
سازمان فضایی	حیاط مرکزی، ایوان، اندرونی و بیرونی	حیاط مرکزی، ایوان	حیاط مرکزی، ایوان	اندرونی و بیرونی، حیاط مرکزی	حیاط مرکزی، ایوان
ویژگی اقلیمی	سقف شیب‌دار، تهویه طبیعی	سقف شیب‌دار، نورگیری طبیعی	تهویه طبیعی، نورگیری مناسب	سقف شیب‌دار، تهویه طبیعی	سقف شیب‌دار، استفاده از متریال محلی
عناصر تزئینی	گچ‌بری، نقوش سنتی، مشبک‌کاری	نقوش آجری، گچ‌بری	نقوش آجری، پنجره‌های چوبی	گچ‌بری، نقوش اسلیمی	نقوش چوبی، کاشی‌کاری
وضعیت کنونی	مرمت شده و دارای کاربری فرهنگی	موزه و بنای تاریخی	نیاز به مرمت	در حال فرسایش	نیاز به بازسازی

جدول ۶: مقایسه ویژگی‌های معماری ویلاهای مدرن

ویژگی‌ها	ویلا پارت‌کلا	ویلا امیردشت	ویلا شکسته	ویلا ۷۵ دهکده گلچین	ویلا مازو
نوع سازه	چوب، بتن، شیشه	بتن، شیشه، فلز	بتن، شیشه، فلز	چوب، سنگ، شیشه	بتن، چوب، شیشه
سازمان فضایی	پلان باز، ارتباط با طبیعت	فضاهای باز، نورگیری وسیع	طراحی شکسته و مدرن	ترکیب فضای بسته و باز	ترکیب حجم‌های متقاطع، ووبد مرکزی
ویژگی اقلیمی	سازگاری با بادهای محلی	سیستم تهویه مطبوع	تهویه طبیعی و مکانیکی	استفاده از مصالح بومی	تهویه طبیعی، عایق‌بندی حرارتی
نورگیری	پنجره‌های بزرگ و شفاف	شیشه‌های سرتاسری	نورگیرهای سقفی و پنجره‌های بزرگ	نورگیرهای سقفی و دیواری	پنجره‌های سرتاسری، نورگیر مرکزی
هماهنگی با محیط	ترکیب معماری سنتی و مدرن	معماری مینیمالیستی	تاکید بر فرم‌های هندسی	ترکیب سنت و مدرنیته	الهام از طاق‌های سنتی

جدول ۷: مقایسه میزان انطباق نمونه‌های موردی با اقلیم شمال ایران

نمونه موردی	استفاده از مصالح بومی	سیستم تهویه طبیعی	نورگیری مناسب	سقف شیب‌دار برای هدایت آب باران	هماهنگی با طبیعت اطراف
خانه فاضلی	بله	بله	بله	بله	متوسط
خانه کلبادی	بله	بله	بله	بله	خوب
خانه رمدانی	بله	متوسط	بله	بله	کم
خانه سردار جلیل	بله	بله	متوسط	بله	متوسط
خانه میرگتی	بله	بله	متوسط	بله	کم
ویلا پارت‌کلا	بله	بله	بله	بله	عالی
ویلا امیردشت	خیر	خیر	بله	خیر	متوسط
ویلا شکسته	خیر	متوسط	بله	خیر	کم
ویلا ۷۵ گلچین	بله	بله	بله	بله	عالی
ویلا مازو	بله	بله	بله	بله	عالی

جدول ۸: نتیجه‌گیری کلی از تحلیل نمونه‌های موردی

ویژگی‌ها	خانه‌های تاریخی	ویلاهای مدرن
مصالح استفاده شده	چوب، آجر، سفال، گچ	بتن، شیشه، چوب، سنگ
توجه به اقلیم	بسیار زیاد	متوسط
سیستم تهویه طبیعی	بهینه و موثر	در برخی موارد وجود دارد
سازگاری با محیط	بالا	در برخی موارد رعایت شده
نورگیری طبیعی	متوسط تا زیاد	زیاد
حفظ هویت معماری بومی	کاملاً حفظ شده	در برخی موارد ترکیب شده

تحلیل داده‌ها و اجرای روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در پژوهش

روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) یک روش تصمیم‌گیری چند معیاره است که توسط توماس ساعتی (۱۹۸۰) معرفی شده و برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و معیارهای مختلف در تصمیم‌گیری‌های پیچیده استفاده می‌شود [۲۱]. در این

پژوهش، برای اولویت‌بندی شاخص‌های معماری بومی ساری و میزان تطبیق آن‌ها با طراحی مسکن معاصر، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است. این روش ابزاری برای تصمیم‌گیری چندمعیاره است که با استفاده از مقایسات زوجی، میزان اهمیت هر معیار را نسبت به سایر معیارها تعیین می‌کند. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۱۴ نشان‌دهنده وزن نهایی معیارهای مختلف است که بر اساس آن، بیشترین

در این مرحله، معیارها به صورت زوجی با یکدیگر مقایسه شدند و مقادیر اهمیت نسبی آن‌ها در یک ماتریس نمایش داده شد. مقادیر این مقایسات بر اساس مقیاس ۹ درجه‌ای ساعتی تنظیم شده‌اند که در جدول ۹ نشان داده شده است [۲۱]:

برای ارزیابی مقایسات زوجی میان معیارهای طراحی مسکن بومی، از مقیاس ۹ درجه‌ای ساعتی استفاده شد. در این مقیاس، مقدار ۱ نشان‌دهنده اهمیت برابر دو معیار است، در حالی که مقدار ۹ نشان‌دهنده اهمیت مطلق یک معیار نسبت به معیار دیگر است. مقادیر ۲، ۴، ۶ و ۸ نیز برای مقایسات بینایی به کار می‌روند. مقادیر اختصاص یافته به هر مقایسه در ماتریس مقایسات زوجی در جدول شماره ۹ نشان داده شده‌اند. بر این اساس، ماتریس مقایسات زوجی تشکیل شد و اهمیت هر معیار نسبت به سایر معیارها در آن مشخص گردید [۲۲]. این مقایسات بر مبنای نظر خبرگان معماری، تحلیل پژوهش‌های پیشین و بررسی نمونه‌های بومی منطقه انجام شده است.

• مرحله ۳: محاسبه وزن نهایی معیارها

با ورود داده‌های ماتریس مقایسات زوجی در نرم‌افزار Expert Choice، اوزان نهایی معیارها محاسبه شدند. نتیجه این محاسبات در جدول ۱۰ ارائه شده است:

اهمیت به سازگاری اقلیمی و استفاده از مصالح بومی داده شده است.

یافته‌ها

تحلیل مراحل اجرای روش AHP در پژوهش، بخش اول در تحلیل یافته‌های پژوهش است. برای اجرای روش AHP، مراحل زیر طی شده است:

• مرحله ۱: تعریف معیارهای پژوهش

برای اولویت‌بندی معیارهای استخراج شده، روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) به کار گرفته شد. ابتدا شاخص‌های اصلی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های موردی شناسایی شدند. سپس، این شاخص‌ها با استفاده از مقایسات زوجی در نرم‌افزار Expert Choice ارزیابی شدند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده کمتر از ۰.۱ بود، که نشان‌دهنده اعتبار بالای مقایسات انجام شده است. این معیارها عبارت‌اند از: سازگاری اقلیمی (C1)، بهره‌گیری از مصالح بومی (C2)، نورگیری طبیعی و تهویه مناسب (C3)، حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی (C4) و کاربردپذیری در طراحی معاصر (C5).

• مرحله ۲: تشکیل ماتریس مقایسات زوجی

جدول ۹: مقیاس ساعتی در روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و میزان اهمیت معیارها، (ماخذ: زیردست (۱۳۸۰))

مقیاس ساعتی	سطح اهمیت	توضیحات
1	اهمیت برابر	هر دو معیار به یک اندازه مهم هستند
3	اهمیت متوسط یک معیار نسبت به دیگری	یک معیار کمی مهم‌تر از معیار دیگر است
5	اهمیت زیاد یک معیار نسبت به دیگری	یک معیار نسبت به دیگری دارای اهمیت زیادی است
7	اهمیت بسیار زیاد یک معیار نسبت به دیگری	یک معیار نسبت به معیار دیگر بسیار مهم‌تر است
9	اهمیت فوق‌العاده یک معیار نسبت به دیگری	یک معیار کاملاً برتر از معیار دیگر است
8,6,4,2	مقادیر میانی	برای حالت‌های بینایی استفاده می‌شود

جدول ۱۰: وزن نهایی معیارهای معماری بومی برای طراحی مسکن معاصر (AHP)

وزن نهایی	معیار
۰.۳۵	سازگاری اقلیمی (C1)
۰.۲۲	بهره‌گیری از مصالح بومی (C2)
۰.۱۸	نورگیری و تهویه طبیعی (C3)
۰.۱۵	حفظ هویت فرهنگی (C4)
۰.۱۰	کاربردپذیری در طراحی معاصر (C5)

بومی" با وزن ۰.۲۲ در رتبه دوم قرار گرفته که بر اهمیت کاهش وابستگی به مصالح صنعتی و استفاده از متریا‌ل‌های سازگار با محیط طبیعی تاکید دارد. یافته‌های این جدول می‌توانند در تدوین راهکارهای طراحی برای مسکن‌های جدید در مناطق مشابه مورد استفاده قرار گیرند.

• مرحله ۴: بررسی نرخ ناسازگاری

برای اطمینان از دقت مقایسات انجام‌شده، نرخ ناسازگاری (CR) محاسبه شد که مقدار آن کمتر از ۰.۱ بود، بنابراین می‌توان نتایج را معتبر دانست.

• مرحله ۵: تحلیل و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهند که "سازگاری اقلیمی" و "بهره‌گیری از مصالح بومی" دو معیار مهم در طراحی مسکن معاصر بر اساس اصول معماری بومی ساری هستند. این نتایج بر اهمیت در نظر گرفتن شرایط محیطی و استفاده از متریا‌ل‌های مناسب در احیای الگوهای معماری سنتی تاکید دارند. بر اساس جدول شماره ۱۴، مشاهده می‌شود که سازگاری اقلیمی با وزن ۰.۳۵ بیشترین اهمیت را در طراحی مسکن معاصر دارد، که نشان‌دهنده اهمیت بالای انطباق ساختمان‌ها با شرایط اقلیمی منطقه است. همچنین، استفاده از مصالح بومی با وزن ۰.۲۲ به‌عنوان یکی دیگر از مولفه‌های مهم در نظر گرفته شده است، که به حفظ هویت بومی و کاهش مصرف انرژی کمک می‌کند. بنابراین، پیشنهادات زیر ارائه شد:

برای ارزیابی مقایسات زوجی میان معیارهای طراحی مسکن بومی، از مقیاس ۹ درجه‌ای ساعتی استفاده شد. در این مقیاس، مقدار ۱ نشان‌دهنده اهمیت برابر دو معیار است، در حالی که مقدار ۹ نشان‌دهنده اهمیت مطلق یک معیار نسبت به معیار دیگر است. مقادیر ۲، ۴، ۶ و ۸ نیز برای مقایسات بینابینی به کار می‌روند. مقادیر اختصاص‌یافته به هر مقایسه در ماتریس مقایسات زوجی در جدول شماره ۹ نشان داده شده‌اند. بر این اساس، ماتریس مقایسات زوجی تشکیل شد و اهمیت هر معیار نسبت به سایر معیارها در آن مشخص گردید [۲۲]. این مقایسات بر مبنای نظر خبرگان معماری، تحلیل پژوهش‌های پیشین و بررسی نمونه‌های بومی منطقه انجام شده است.

• مرحله ۳: محاسبه وزن نهایی معیارها

با ورود داده‌های ماتریس مقایسات زوجی در نرم‌افزار Expert Choice، اوزان نهایی معیارها محاسبه شدند. نتیجه این محاسبات در جدول زیر ارائه شده است: نتایج حاصل از جدول شماره ۱۰ که با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استخراج شده است، نشان می‌دهند که سازگاری اقلیمی و استفاده از مصالح بومی بالاترین اولویت را در طراحی مسکن معاصر دارند. به‌طوری‌که شاخص "سازگاری اقلیمی" با وزن نهایی ۰.۳۵، بیشترین اهمیت را در میان سایر معیارها کسب کرده است. این امر نشان‌دهنده ضرورت طراحی مسکن‌هایی است که با اقلیم مرطوب و پر باران شمال ایران هماهنگ باشند. همچنین، شاخص "بهره‌گیری از مصالح

شکل داده باشد. مسکن نیز به عنوان اقامتگاه انسانی از این قاعده کلی مستثنی نمی‌باشد. تجلی این گونه اثرپذیری مسکن از عوامل محیطی را در بهره‌گیری از مصالح بومی، همسازی با عناصر اقلیمی به لحاظ جهت‌یابی ساختمان در مقابل نور، طراحی پلان و فرم بنا، ارتفاع، شکل و نوع پوشش سقف، ابعاد و اندازه بازشوها ملاحظه نمود. از سوی دیگر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مانند تنوع فعالیت‌ها، اندازه و نوع خانوار (هسته‌ای-گسترده) در کنار تکنیک و ابزار ساخت بناها به-گونه‌ای در هم می‌آمیزند تا در هر مقطعی از روندهای زمانی الگوهای خاصی از مسکن به‌وجود آیند [۲۵].

معاصر سازی و باز زنده سازی

اگر قبول کنیم همانطور که گذشتگان ساختمان موضوع مرمت را احداث کرده‌اند و با استفاده از فرهنگ زمان خود به آن شکل داده‌اند و تحقیق کاربردی و موجودیت فرهنگی بخشیده‌اند، ما نیز در تضمین ادامه‌ی کارایی موجودیت بنا می‌توانیم با تکیه بر فرهنگ خود، روی شکل، کاربرد و موجودیت‌های هنری و ساختاری آن اثر بگذاریم و بر پایه‌ی گرایش‌ها و زمینه‌های فرهنگی خویش با حرمت‌گذاری و نگهداشت آنچه می‌توان از بنا حفاظت و حراست کرد در لحظه‌ی دخالت در آن، از امکانات فنی زمان خود الهام بگیریم و از این راه جنبه‌های خود را در بنا منعکس کنیم [۴].

باز آفرینی و معاصر سازی

این واژه به معنای تجدید نسل و از نو سر بر آوردن است که در نفس خود، نو شدن و به روز آمد شدن را دارد، گویا این اقدام می‌تواند شامل شباهت‌های ظاهری سازمان فضایی معاصر با سازمان فضایی کهن باشد ولی رفتارهای سازمانی فضای معاصر و هنجارهای حادث شده از آنها هیچ شباهتی به آنچه از قبل بوده نخواهد داشت و خود دارای شخصیت و هویتی مستقل می‌باشند [۴].

بازخوانی معماری بومی

دلیل اصلی خواندن هر محیطی یادگیری از آن می‌باشد. معماری بومی دارای ویژگی‌های مهمی است که یافتن راه‌های استفاده شده در معماری بومی و تلاش برای انطباق آنها در ساخت و سازهای معاصر یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعات معماری بومی را در قرن ۲۱ میلادی به خود اختصاص داده است. محققان بسیاری بر استفاده از معماری بومی در بناهای

- طراحی ساختمان‌هایی که از اقلیم منطقه تاثیر بپذیرند و از نورگیری و تهویه طبیعی به‌صورت بهینه استفاده کنند.
- استفاده از مصالح محلی (چوب، آجر و سفال) برای حفظ پایداری و هویت بومی.
- تلفیق عناصر معماری سنتی مانند حیاط مرکزی و ایوان‌های عریض در طراحی‌های معاصر.

معماری کلی فضاها در خانه‌های سنتی و بومی ایرانی

در جامعه‌ای که به‌شدت متکی به خانواده است، مفهوم خانه بسیار گسترده‌تر از مکان خصوصی محض است. در واقع خانه حریمی مقدس است و بنابراین ساکنان این حریم باید از نگاه نامحرم و از هر دخالت ناخواسته‌ای در امان باشند. معماری حیاط مرکزی و قرارگیری فضاهای جانبی در اطراف آن در قالب الگوهای دو، سه و چهار طرفه اکثراً در بافت شهری ایران قابل مشاهده است. این نوع چیدمان فضایی به علت همساز بودن با اقلیم و فرهنگ به‌صورت یکی از الگوهای رایج و ویژگی‌های شکلی و هویتی بافت سنتی و بومی درآمده است. نکته حائز اهمیت در اینجا نحوه قرارگیری فضاها و نقش سلسله مراتب فضایی در استحکام بخشی ابنیه است. از لحاظ معماری نیز ورودی به فضاهای اصلی از راهروهای جانبی صورت می‌گیرد و مجاورت و ارتباط بین این فضاها با حوض آب و درختان در مرکز حیاط و محور اصلی خانه مرتبط می‌گردد [۲۳]. جوامع سنتی در یک فضای معنوی زندگی می‌کنند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی جویای همگنی و تناسب کامل است. آفریده‌های معماری آن نیز؛ چون معماری از جهان بینی تام و کامل مایه می‌گیرد که نیروی خلاقه انسان را پدید آورده‌اند و آن را به سوی غایتی رهنمون می‌کند که جامعه را به‌صورت یک محل واحد در می‌آورد. معماری سنتی را می‌توان گنجینه‌ای سرشار از مفاهیم و رویکردهای انسانی دانست که در جهت توجه به امنیت و آسایش ساکنین خانه عمل می‌نموده است [۲۴].

شناخت الگوی مسکن بومی

شناسایی الگوی مسکن بومی مستلزم کنکاش در مجموعه عوامل و مولفه‌هایی است که بر آن ناحیه اثر گذاشته و عناصر و اجزای مختلف مسکن را در جنبه‌های ساختی و کارکردی

از ضعف مدیریت شهری، عدم انسجام لایه‌های فرهنگی عمده معماران می‌باشد. یافتن راه‌حلی برای آنچه که معماری امروز ایران را از محتوا و مفاهیم عالی تهی کرده و دچار بحران هویت نموده، تنها راه خروج از بحران پیش آمده است. با توجه به مطالب ذکر شده، خانه‌های بومی و سنتی کم کم بسیاری از ارزش‌های خود را به سبب ورود تکنولوژی و احاطه آن بر زندگی بشر از دست داد بسیاری از فضاها از ساختار فضای مسکن حذف شود و نوعی گسست از سنت‌های قدیمی به یکباره در این بناها اتفاق می‌افتد بدون اینکه از مزایا و خصوصیات بناهای گذشته استفاده شود [۴].

در ادامه برخی از این تغییرات و نتایج آن توضیح داده می‌شود: **تنوع:** بناهای دوره قاجاریه با توجه به نوع فضا، فصول مورد استفاده، کارکرد، اهمیت و دیگر مسائل دارای تناسبات و ویژگی‌های متفاوتی بود و هر فضا با توجه به نیاز انسان طراحی و اجرا می‌شدند. لذا معماری کاملاً پاسخ‌گرا در این دوره سبب تنوع فضایی منحصر به فردی شده است [۴].

توجه به اقلیم: فضای باز این فضای بارز در تملک صاحب خانه قرار می‌گرفت و از برون خانه مجزا می‌شد. فضاهای باز و حیاط به عنوان مکمل هر فضا برای زنده بودن محسوب می‌شد. بسیاری از نقش‌های کلیدی حیاط، به تغییر دلیل نحوه تفکر و نگاه به زندگی از دست رفت. محصوریت این فضای بارز کم رنگ‌تر گردید و فضاها عمدتاً در یک یا دو جانب آن گسترش می‌یافتند. بطور کلی سیر تحول حیاط در طی دوره‌های گذشته را می‌توان حرکت از درونگرایی به برونگرایی دانست که موجب از دست رفتن بسیاری از مفاهیم با ارزش سکونت گردیده است. نقش ایوان در زندگی بسیار پر رنگ بوده و به لحاظ کوران هوا از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. ایوان به عنوان فضای میانی نقش اتصال دهنده دو فضای بسته و باز را ایفا می‌نماید، بنابراین از لحاظ شرایط آسایش حرارتی فضای واسط می‌باشد و در زمان‌های از سال به عنوان فضای مناسب برای سکونت و نشیمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله در فصل‌های بهار و پاییز این فضا برای سکونت در بعضی از ساعات روز بهتر از حیاط و فضای مصنوع نشیمن عمل می‌نماید ولی امروزه ایوان متأسفانه در بیشتر ساختمان‌ها از فضای زندگی حذف شده است. با تغییر الگوی فضای باز و توده، بسیاری از فضاهای مهم و ارزشمند از جمله فضاهای

معاصر تأکید کرده‌اند. نتیجه بازخوانی معماری بومی به درک درست محیط ساخته شده و الگوهای معماری و فرهنگی منتهی می‌شود. فرم‌های بومی و ارزش‌های زیبایی به بخش‌هایی از زبان ما و ناشی از نمادها و ارزش‌های اجتماعی می‌باشند. این نمادها و نشانه‌ها از هویت شخصی و اجتماعی منتج می‌شوند و در واقع، ارزش‌های اجتماعی را بازگو می‌کنند. علاوه بر این مطالعه معماری بومی امکان مقایسه ساخت و ساز معاصر با ابنیه ساخته شده بر اساس معماری بومی را فراهم می‌آورد. مطالعه جامع محیط، ایده‌های اولیه طراحی را می‌تواند کاملاً تحت تأثیر قرار دهد. این تأثیرات ناشی از عوامل فرهنگی - محیطی حاکم بر هر محیط می‌باشد. بدین گونه است که باید به نیازهای ساکنین بصورت سازمان یافته‌ای در بنای مورد استفاده پاسخ داده شود [۴].

هویت شناسی ایرانی معاصر

با توجه به دوره‌های تاریخی ایران از دوره کلاسیک تا دوره مدرن، با وضعیت‌های متفاوتی به لحاظ نحوه شکل‌گیری هویت ایرانی روبرو هستیم. در بروز هر نوع شرایط جدید، از جامعه و فرهنگ ایرانی واکنش‌های متفاوتی دیده شده است. به عبارت دیگر، شرایط جدید موجب بروز واکنش‌های متفاوت جامعه، فرهنگ و مردم ایرانی شده است. به نظر می‌آید جامعه ایرانی از بدو امر هویتی ایرانی با مولفه‌هایی متفاوت بوده است. ورود عناصر غریب و ناآشنا در مرحله اول و مورد قبول در مرحله بعد راه اصلی نوسازی هویت ایرانی در گذر تاریخ بوده که همه از طریق تعامل بین فرهنگی و تمدنی حاصل شده است. به عبارت دیگر، آنچه موجب شده تا تمدن و فرهنگ ایرانی تا کنون باقی بماند، تعامل‌پذیری جهان ایرانی با جهان‌های دیگر (اعم از تمدن اسلامی، عربی و غربی) می‌باشد. در طول دوران معاصر، اندک معمارانی اثر آنها دارای چنین بیان معماری بوده است. عده کثیری یا به تقلید صرف از گذشته پرداخته یا اینکه این بیان معماری را بصورت التقاطی با عناصر مدرن درهم آمیخته‌اند. متأسفانه در معدود مواردی هم که ارتباط شایسته‌ای بین معماری سنتی و مدرن برقرار گردیده، معماری بصورت تک بنا درآمده و قابلیت هویت بخشی خود را از دست داده است. علی‌رغم دغدغه همیشگی معماران ایران در جهت برقراری پیوند با معماری گذشته و تأمین تداوم آن، عمدتاً این تلاش‌ها ناموفق بوده که صرف نظر

بهره‌گیری هدفمند از فناوری‌های جدید در طراحی معاصر، بدون غفلت از ارزش‌های بومی و هویتی معماری است. یافته‌های آن پژوهش نشان می‌دهد که گرچه فناوری‌های نوین در سه بعد کلیدی شامل انعطاف‌پذیری در ساخت، سرعت اجرا و ایمنی مصالح تاثیرگذار بوده‌اند، اما بهره‌برداری صرف از این ظرفیت‌ها، بدون پیوند با مفاهیم فرهنگی و زیبایی‌شناسی بومی، منجر به افول هویت معماری در بسیاری از پروژه‌های معاصر شده است. از این‌رو، همانند هدف پژوهش حاضر، آن‌ها نیز بر ضرورت ایجاد توازن میان تکنولوژی و هویت معماری تاکید داشته و استفاده‌ی هوشمندانه از فناوری را در چارچوب اصول پایداری، معنا و زیبایی‌شناسی بومی توصیه کرده‌اند [۲۸].

در پژوهشی دیگر، طهموری، منصوری و عزیزی (۱۴۰۱) به بررسی نقش نمادین فناوری در شکل‌گیری میراث معماری معاصر ایران پرداختند. در این مقاله، فناوری نه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای ساخت، بلکه به‌مثابه عاملی موثر در تولید معنا و هویت معماری مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فرم، سازمان فضایی و ترکیب نما در نمونه‌های شاخص معماری معاصر، تحت تاثیر مستقیم فناوری‌های نوین، به نمادهایی تبدیل شده‌اند که حامل ارزش‌های فرهنگی، زیبایی‌شناختی و تاریخی هستند. این نگاه نمادگرایانه به فناوری، تاکید دارد که بهره‌گیری از تکنولوژی در معماری باید در پیوند با زمینه فرهنگی، بستر تاریخی و هویت بومی باشد تا بتواند منجر به تولید میراث ماندگار گردد. این نتیجه‌گیری با دیدگاه مقاله حاضر هم‌راستا است؛ چراکه در تحلیل تطبیقی الگوهای بومی و طراحی معاصر در مسکن برون‌گرای ساری نیز بر لزوم به‌کارگیری آگاهانه فناوری در راستای حفظ هویت معماری و تطبیق آن با نیازهای امروز تاکید شده است [۲۹].

ریاحی‌زاده، فلامکی و پورزرگر (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «خوانش نسبت تاریخ‌گرایی و مفهوم هویت در میراث معماری مدرن شهر تهران (۱۳۲۰-۱۳۱۰)» به بررسی چگونگی بازتاب مولفه‌های هویت در معماری دوران پهلوی اول پرداخته‌اند. آن‌ها با تمرکز بر جریان تاریخ‌گرایی در این دوران، سه رویکرد تقلیدی، نمادین و مفهومی را شناسایی کرده‌اند که هر یک در سطحی از هویت - شامل هویت فرمی،

تابستانی، زمستانی از بنا حذف شدند، بدین ترتیب با قرارگیری حیاط مربع یا مستطیل شکل در یک سمت فضاهای توده، بسیاری از مزایای انرژی محور الگوهای حیاط مرکزی مانند نورگیری مناسب فضاها و سایه‌اندازی بر روی حیاط و دیوارها را از دست دادند [۴].

انعطاف‌پذیری: در گذشته بسیاری از فضاها دارای بیش از یک نقش بودند و در هر زمان و حتی در مواقع روز به‌عنوان کالبدی برای انجام فعالیت‌های مختلف عمل می‌نمودند، از جمله نمونه‌های این فضاها می‌توان به حیاط اشاره نمود. حیاط خانه به دلیل قرارگیری در مرکز خانه محل تقسیم عملکردها بوده و قابلیت تبدیل به فضایی جمعی برای میهمانی‌ها و جشن‌ها را داشته است. حیاط در معماری ایرانی تنظیم‌کننده تمامی تغییرات مورد نیاز در مقیاس‌های مختلف ارتباطات داخلی خانه است، ولی در خانه‌های مدرن با از بین رفتن حریمیت و درونگرایی حیاط و به انزوا کشیدن حیاط از این ارزش نیز کاسته شد [۲۶].

درونگرایی: یکی از کارکردهای مهم بناهای سنتی عبارت بود از ایجاد فضایی امن و محدود‌های که حریم خانواده به شمار می‌رفت و از دیدرس افراد نامحرم و غریبه دور بود و از این جهت معماری مسکن بومی به واسطه ارتباط مستقیم با زندگی کاملاً خصوصی و خانوادگی مردمان در ایران بسیار حائز اهمیت بود همچنین در مسکن سنتی بین محل انجام فعالیت‌های مربوط به روابط بیرون مرد خانواده یا محل انجام فعالیت‌های خانوادگی تفکیکی وجود داشت و در انجام فعالیت‌های مربوط به خانواده هیچ فضایی به یک فعالیت خاص اختصاص نمی‌یافت و از فضاها استفاده‌های متعددی در ساعات مختلف روز می‌شد، در حالیکه امروزه با ایجاد تغییرات مسکن بسیاری از رویکردها مانند درونگرایی از دست رفته است [۲۷]، اما در گذشته در مسکن سنتی رویه‌های فرهنگی و اعتقادی مانند درونگرایی با بسیاری از رویه‌های دیگر مانند اقلیم همخوانی داشته است که در معماری معاصر هیچکدام از این مولفه‌ها مراعات نمی‌گردد [۴].

تحلیل تطبیقی یافته‌ها

مطالعه‌ی بهنوا و پورزرگر (۱۴۰۲) با عنوان «واکاوی نقش فناوری‌های نوین بر ساختار کالبدی ساختمان در معماری معاصر ایران» نیز موید دیدگاه این پژوهش در خصوص لزوم

می‌تواند منجر به طراحی مسکن‌هایی با کارایی بیشتر و حفظ هویت فرهنگی شود. خانه‌های سنتی ساری با استفاده از مصالح بومی مانند چوب، آجر، سفال و گچ و ویژگی‌های فضاسازی همچون حیاط مرکزی و ایوان‌های عریض، به‌خوبی با اقلیم مرطوب منطقه هماهنگ هستند و از سیستم‌های تهویه طبیعی بهره می‌برند. در مقابل، معماری معاصر به‌ویژه در ویلاها، از مصالح مدرن مانند بتن، شیشه و فلز استفاده می‌کند که هرچند در برخی موارد توجه به اقلیم و تهویه طبیعی در آنها مشاهده می‌شود، اما سازگاری کمتری با محیط دارند. با تحلیل داده‌ها و نمونه‌های موردی، پیشنهاد می‌شود که در طراحی مسکن معاصر در ساری، ترکیب ویژگی‌های معماری بومی با فناوری‌های جدید، به‌ویژه در استفاده از مصالح بومی و طراحی فضاهای باز برای تهویه طبیعی و نورگیری، در اولویت قرار گیرد. استفاده از الگوهای فضاسازی سنتی مانند حیاط مرکزی و ایوان‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و کاهش مصرف انرژی کمک کند. همچنین، توجه به سیستم‌های تهویه طبیعی و عایق‌بندی حرارتی در طراحی‌های جدید می‌تواند به پایداری و کارآمدی ساختمان‌ها در برابر اقلیم مرطوب ساری کمک کند. در نهایت، حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی ساکنان با تلفیق معماری سنتی و مدرن، به تقویت حس تعلق به مکان و ارتقای کیفیت محیط زیست شهری کمک خواهد کرد.

نمودار رادار (Spider Chart) (نمودار شماره ۲) مقایسه‌ای بین معیارهای معماری بومی و معاصر را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که معماری بومی در سازگاری اقلیمی، مصالح بومی، نورگیری طبیعی و حفظ هویت فرهنگی قوی‌تر است، در حالی که معماری معاصر در کاربرپذیری برای نیازهای مدرن امتیاز بالاتری دارد. نمودار نشان می‌دهد که معماری بومی در معیارهایی مانند سازگاری اقلیمی، استفاده از مصالح بومی و حفظ هویت فرهنگی عملکرد بهتری دارد، در حالی که معماری معاصر در کاربرپذیری و انطباق با نیازهای مدرن برتری دارد. نورگیری و تهویه در هر دو نوع معماری اهمیت دارد، اما در معماری معاصر بیشتر به کمک فناوری‌های جدید تحقق می‌یابد. در نتیجه، ترکیب اصول معماری بومی با فناوری‌های مدرن می‌تواند طراحی پایداری و هماهنگ‌تری را ایجاد کند. نمودار شماره ۳ به‌صورت ترکیبی،

استنباطی و معنایی - نمود پیدا کرده‌اند. پژوهش مذکور نشان می‌دهد که در این بازه زمانی، معماران تلاش داشتند با بهره‌گیری از فرم‌ها و الگوهای معماری ایرانی، به‌ویژه عناصر برگرفته از معماری پیشااسلامی و اسلامی، به تولید معماری‌ای بپردازند که ضمن استفاده از فناوری‌های نوین، همچنان واجد هویت فرهنگی باشد. این یافته‌ها با نتایج مقاله حاضر هم‌راستاست؛ چراکه در تحلیل تطبیقی الگوهای بومی و طراحی معاصر در مسکن برون گرای ساری نیز بر اهمیت پیوند میان عناصر کالبدی بومی و فناوری معاصر برای تقویت هویت معماری تاکید شده است [۳۰].

دانشمندی، تیزقلم زنوزی و میرشاهزاده (۱۴۰۳) در پژوهشی با هدف بررسی شاخص‌های معاصر سازی در بناهای تاریخی تهران (۱۳۲۰-۱۳۴۵ هجری شمسی)، با بهره‌گیری از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) و تکنیک رگرسیون خطی، به تحلیل ۴۲ شاخص در پنج بعد کالبدی، ادراکی، عملکردی، اجتماعی-اقتصادی و محیطی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که هرچند برخی شاخص‌ها نظیر "اصالت محله و حس تعلق"، "قابلیت شناسایی فضاها"، "وجود فعالیت‌های ضروری و اجتماعی" و "هماهنگی با فرم تاریخی" شرایط نسبتاً مناسبی دارند، اما بسیاری از شاخص‌های دیگر به‌ویژه در ابعاد کالبدی و محیطی، نظیر "استفاده از مصالح خاص"، "کارگیری معماری بومی"، "دسترسی پیاده"، "فضاهای باز و سبز" و "آسایش اقلیمی"، وضعیت نامناسبی را نشان می‌دهند. پژوهش آن‌ها بر لزوم ارتقای شاخص‌های کیفی و پیوند معنادار میان فناوری، زمینه بومی و الگوهای تاریخی تاکید دارد. این یافته‌ها با رویکرد مقاله حاضر هم‌راستاست؛ چرا که در تحلیل تطبیقی الگوهای بومی و طراحی معاصر در مسکن برون گرای ساری نیز بر استفاده هدفمند از اصول بومی و پاسخ‌دهی به نیازهای روز با رویکردی معاصر تاکید شده است [۳۱]. در راستی آزمایی مشخص شد که ادبیات پژوهش [۳۲-۴۴] دستاوردهای موضوع را تایید میکند، و این گویایی روایی و پایایی پژوهش است.

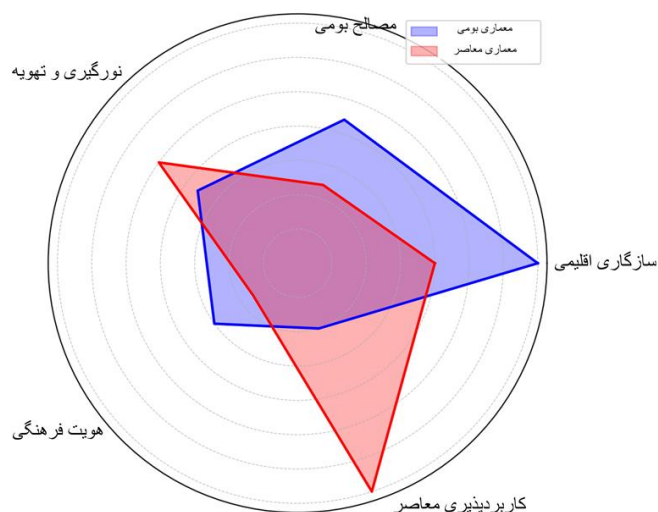
بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی ویژگی‌های معماری بومی ساری و مقایسه آن با طراحی‌های معاصر نشان می‌دهد که تلفیق این دو رویکرد

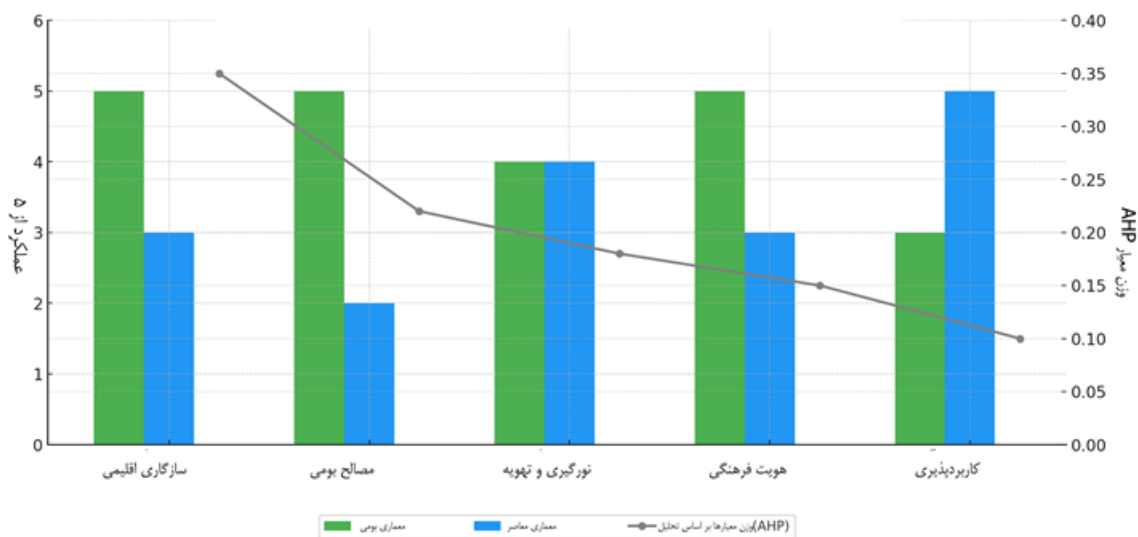
خاکستری نیز وزن نهایی هر معیار را بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) نمایش می‌دهد. این نمودار نشان می‌دهد که معماری بومی در معیارهای زیست‌محیطی و فرهنگی عملکرد مطلوب‌تری دارد، در حالی که معماری معاصر در انطباق با نیازهای مدرن و عملکردی برتری دارد.

عملکرد معماری بومی و معماری معاصر را بر اساس پنج معیار کلیدی طراحی پایدار نشان می‌دهد. این معیارها شامل سازگاری اقلیمی، استفاده از مصالح بومی، نورگیری و تهویه طبیعی، حفظ هویت فرهنگی و کاربردپذیری در طراحی معاصر هستند. میله‌های سبز و آبی به ترتیب نمایانگر امتیاز عملکرد معماری بومی و معاصر (از ۵) هستند و خط

نمودار ۲: مقایسه معیارهای کلیدی در معماری بومی و معاصر



نمودار ۳: مقایسه عملکرد معماری بومی و معاصر با وزن معیارها در طراحی پایدار



تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تائیدیه‌های اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: سیده مریم حسینی (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/ پژوهشگر اصلی/ نگارنده بحث (۶۰٪)؛ محمدرضا پورزرگر (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/ تحلیلگر آماری/ روش شناس (۲۵٪)؛ محمود رضایی (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی/ روش شناس (۱۵٪)

منابع مالی/ حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: تعارض منافعی میان نویسندگان وجود ندارد.

References

- Memarian Gh, and Tabarsa M. Typology and Classification of Architecture. Iranian Journal of Architecture and Urban Planning. 2013 March 10;6:103-114.
https://www.isau.ir/article_61978.html
- Sadeghi Pay N. The History and Reasons for the Inclination Toward Vernacular Architecture in the West. Islamic Countries, and Iran. Journal of City and Vernacular Architecture. 2012 May 8 ;2(2):7-24. https://smb.yazd.ac.ir/article_61.html
- Oliver P. The Encyclopedia of Vernacular Architecture of the world. Cambridge University Press; 2006.
<https://www.cambridge.org/us/universitypress/subjects/arts-theatre-culture/architecture/encyclopedia-vernacular-architecture-world>
- Hosein Pourharehdasht H. and Dashti Shafiee A. Modernizing the Indigenous Housing Pattern. The 4th Scientific-Research Conference on New Horizons in Geography, Architecture, and Urban Planning of Iran; 2016.
<https://www.symposia.ir/NICONF04>
- Mohammadi-Pour P. Investigating the Vernacular Architecture of Mazandaran to Achieve Indigenous Design Principles and Define the Physical Identity of Mazandaran's Architecture. The 1st Annual National Conference on the Future of Building in Iran, Engineers Association of Sari; 2013.
<https://www.researchgate.net/publication/357795606>
- Moslemi M. and Rezaeian F. Study of Vernacular Buildings in Mazandaran Province (Case Study: Sari City). The 3rd International Conference on Civil Engineering, Architecture, and Urban Economic Development; 2016.
<https://www.symposia.ir/CAUM03>
- Ghazanfari P. and Arzeh A. Manifestation of Mazandaran's Culture and Indigenous Identity in Landmark Buildings (Case Study: Velayat Park, Sari City). Journal of Urban Design Studies and Urban Research. 2019 Oct 6;1(4):47-60.
<https://civilica.com/doc/937216>
- Mohammad-Hassan Z. Ramazan-Zadeh Lasbooei M. and Esmaeili, A. Traditional Urban Fabric and Its Role in the Development of Cultural Heritage Tourism (Case Study: Historic Fabric of Sari City). Journal of Urban Management. 2018 March 4;17(53):7-26. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2369-fa.html>
- Shahbazi M. and Torabi Z. The comparative study of reinterpretation and requalification of tradition in the contemporary architecture of Iran and Europe (case study: works of Mirmiran and Corbusier). Hoviatshahr. 2014 Feb 9;8(19):35-49.
<https://ensani.ir/fa/article/488179/>
- Etesam I. Contemporary Iranian architecture, topics in contemporary Iranian architecture [Dissertation]. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch; 2007.
<http://digitalthesis.srbiau.ac.ir/Diglib/WebUI/LogIn.aspx>
- Asefi M. and Imani E. Recognition and evaluation of the transformational factors of the spirit of Iranian traditional architecture: originality of the past, novelty of today. Hoviatshahr. 2014 May 19;8(19):63-76.
<https://ensani.ir/fa/article/488181/>
- Ghobadian V. Climatic analysis of the Traditional Iranian buildings. 1st Edition. Tehran: University of Tehran Press; 1998.
<https://lib.ut.ac.ir/site/catalogue/1160750>
- Ali-Hesabi M. and Kerani N. Influential Factors in the Evolution of Housing from Past to Future. Housing and Rural Environment. 2013 June 17;141:19-36. <https://jhre.ir/article-1-226-fa.html>
- Najarnejad Mashhadi M. Afzalian K. Sheibani M. and Seyed-Alhosseini S. Explanation of the

- Sustainable Patterns Governing Vernacular Housing in Mashhad and Their Prioritization Using the Analytic Hierarchy Process (AHP). *Geographical Research Quarterly*. 2020 July 23;35(3):251-263.
https://georesearch.ir/browse.php?a_id=881&sid=1&slc_lang=fa
15. Falamaki M. Vernacular Architecture: An Unknown Space. Tehran: Fazā Publishing; 2005.
 16. Khoram A. Hedayati M. and Jafari R. Studying Citizens' Interest in Vernacular Architecture (Case Study: Sari City). The 2nd National Conference on the Art of Tabarestan, Mazandaran: University of Mazandaran; 2014.
<https://www.symposia.ir/HONTAB02>
 17. Poursistani P. Mahmoudi Zarandi M. and Madahi Moshizi J. Redefining Contemporary Housing Design Patterns Based on Anthropological Criteria for Urban Planning, Case Study: Houses in Bam City. *Scientific-Research Quarterly on New Perspectives in Human Geography*. 2021 June 21;13(3):420-447.
<https://jria.iust.ac.ir/article-1-486-fa.html>
 18. Tavassoli M. Urban Structure and Architecture in the Hot and Arid Climate of Iran. Tehran: Roshdieh; 1979. <https://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2117243>
 19. Ahmadi M. The History of Sari's Neighborhoods. Sari Studies Cultural Research Institute; 2011. https://opac.nlai.ir/opacprod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=2401217&pageStatus=0&sortKeyValue1=sortkey_
 20. Norouzi S. Mirzakochak Khoshnevis A. and Izadi S. Environment, Vernacular Architecture, and Sustainability (Case Study: Historic Fabric of Sari). International Conference on Innovative Design and Construction Methods in Contextual Architecture; 2014.
<https://www.symposia.ir/IACUT02>
 21. Zebardast E. Application of the Analytic Hierarchy Process (AHP) in Urban and Regional Planning. *Fine Arts Journal*; 2001.
https://jhz.ut.ac.ir/article_13624.html
 22. Al Saaty Th. Theory and Applications of the Analytic Network Process (Translated by Majid Azizi). Tehran: University of Tehran; 2018.
https://press.ut.ac.ir/book_936.html
 23. Madahi S. and Memarian Gh. Spatial Configuration Analysis of Vernacular Houses with a Space Syntax Approach (Case Study: Boshrouyeh City). *Housing and Rural Environment*. 2016 Feb 22;35(156):49-66.
<http://jhre.ir/article-1-846-fa.html>
 24. Askari A, Mahdavinejad M, Ansari M. Investigation of displacement ventilation performance under various room configurations using computational fluid dynamics simulation. *Building Services Engineering Research and Technology*. 2022 May 7;43(5):627-643.
<https://doi.org/10.1177/01436244221097312>
 25. Nazari A. and Pak M. Evaluation of the Indigenous Housing Pattern of the Turkmen in the Rural Housing Improvement Plan (Case Study: Aqabad District, Gonbad-e-Kavus County). *Physical-Spatial Planning Quarterly*. 2012 Des 30;1(1):27-38.
https://psp.journals.pnu.ac.ir/article_2155.html
 26. Damir M, Oevermann H, Meyer M, Mahdavinejad M, Elmouelhi H. Sites of Modern Industrial Heritage in Egypt and Iran: Local, National, and International Relevance for Conservation and Reuse. *Docomomo Journal*. 2024 Jul 1(71):4-12.
<https://doi.org/10.52200/docomomo.71.02>
 27. Daneshjoo K, Mirhosseini SM, Mahdavinejad M. An Introduction to the Naturalism in Examples of Contemporary Iranian Architecture. *Hoviatshahr*. Winter 2015; 9(23): 83-90. Available at: <https://sanad.iau.ir/en/Article/795498>
 28. Behnava B. and Pourzargar M. Examining the role of new technologies on the formal framework of selected buildings of contemporary Iranian architecture 1981-2021. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2023;13(1):30-47.
<https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-63875-fa.html>
 29. Tahmouri A. Mansouri B. and Azizi Sh. Iconic Aspect of Technology in Production of Heritage of Contemporary Architecture. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2022;12(3):22-41.
<https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-61722-fa.html>
 30. Riahizadeh M. Falamaki M. and Pourzargar M. Reading the Relationship between Historicism and the Concept of Identity in the Modern Architecture Heritage of Tehran (1310-1320). *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2022;12(3):1-21.
<https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-60342-fa.html>
 31. Daneshmandi M. Tizghalam Zonouzi S. and Mirshahzadeh Sh. Investigation and analysis of the state of contemporarization of contemporary buildings (1320 to 1345) in Tehran metropolis. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*.
<https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-71071-fa.html>
 32. Fardpour S, Dolatabadi F, Mahdavinejad M. Contemporization of the Concept of Semantic Authenticity in Tehran's Architectural Cityscape. *Hoviatshahr*. 2022 Jun 22;16(2): 5-16.
<https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2022.17740>

33. Fardpour S. Confrontation and interaction of semantic authenticity and modern building materials in today's Iranian architectural works. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2022;12(3):42-62.
https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1401.12.3.7.1. Available:
https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-59859-en.html
34. Gharaati F, Mahdavinejad M, Nadolny A, Bazazzadeh H. Sustainable Assessment of Built Heritage Adaptive Reuse Practice: Iranian Industrial Heritage in the Light of International Charters. *The Historic Environment: Policy & Practice*. 2023 Oct 4:1-35.
https://doi.org/10.1080/17567505.2023.2261328 Available:
https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/17567505.2023.2261328
35. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9.
https://doi.org/10.1002/ad.1406
36. Diba D, Dehbashi M. Trends in modern Iranian architecture. *J Iran Archit Chang Soc*. 2004:31-41. Available: https://b2n.ir/a12379
37. Kia A, Mahdavinejad M. Interactive Form-Generation in High-Performance Architecture Theory. *International Journal of Architecture and Urban Development*. 2020; 10(2):37-48. Available:
http://ijaud.srbiau.ac.ir/article_15848_b1ba4e84fbe133b34ad35f7a46febfe2.pdf
38. Latifi M, Diba D. Data Mining of the Spatial Structure of Qajar Native Housing; Case Study: Jangjouyan House of Isfahan. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 Oct 10;10(3):163-71. [Persian]
https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.3.7.7. Available:
https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-43890-en.html
39. Latifi M, Mahdavinejad M, Diba D. The Home Architecture Data Mining from a Spatial Structure Perspective (Case Study: Jangjouyan House). *International Journal of Applied Arts Studies (IJAPAS)*. 2020 Aug 16;5(1):57-76. Available:
http://www.ijapas.com/index.php/ijapas/article/view/279
40. Latifi M, Mahdavinejad M. Contemporization of Isfahan Indigenous Housing Model based on Analysis of non-Morphic Relationships of Plan, Case Study: Jangjouian House. *Journal of Iranian Architecture Studies*. 2022 Sep 13; 11(21): 185-203. https://doi.org/10.22052/jias.2022.245859.0 Available:
https://jias.kashanu.ac.ir/article_112789.html?lang=en
41. Mahdavinejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977–2017). *Journal of Architecture and Urbanism*. 2019 Feb 1;43(1):71-90.
<https://doi.org/10.3846/jau.2019.5209> Available:
https://journals.vilniustech.lt/index.php/JAU/article/view/5209
42. Mahdavinejad M, Zia A, Larki AN, Ghanavati S, Elmi N. Dilemma of green and pseudo green architecture based on LEED norms in case of developing countries. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 2014 Dec 1;3(2):235-46.
https://doi.org/10.1016/j.ijsbe.2014.06.003 Available:
https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2212609014000351?via%3Dihub
43. Jencks C. Why Critical Modernism?. *Architectural Design*. 2007 Sep;77(5):140-5.
https://doi.org/10.1002/ad.534
44. Jencks C. The iconic building is here to stay. *City*. 2006 Apr 1;10(1):3-20.
https://doi.org/10.1080/13604810600594605

